

بقلم : آقای مجید اوحدی - یکتا

اصفهان

اشتباه بزرگ

یکی از مظاهر تمدن اقوام و ملل که بدان مباحی هستند زبانی است که بدان تکلم میکنند - ملتی که زبان او غنی تر و دامنه لغات و الفاظش وسیع تر باشد بیشتر سرافراز و مفتخر است و بهمین جهت عموم اقوام و ملت‌ها در ترویج زبان خود می‌کوشند و ملیت خود را با بزرگداشت آن حفظ می‌کنند .

افتخار ما ایرانیان بهمین زبان پارسی است و معتقدیم که هیچکدام از زبان‌های زنده دنیا چنین گنجینه‌های شعر و ادب که ما داریم دارا نیستند و این تنها اعتقاد ما نیست بلکه معتقد عموم ملت‌ها بوده و قولیست که جمله‌گی بر آنند .

چندی است که در اثر بی‌مبالاتی و هرج و مرجی که در اغلب شئون ما حکمفرما است عده فهمیده یا نفهمیده بادت خود تیشه بریشه زبان و ادب پارسی میزنند و اولیای امور و آنهائی که صلاحیت جلوگیری ازین هرج و مرج را دارند سکوت کرده و میدان را برای يك مشت عامی و نادان باز گذاشته اند .

اینان نیز چون میدان را خالی دیده‌اند از هیچگونه تخریب فروگذار نکرده و هر روز نغمه ناسازی ساز می‌کنند . واقعاً جای تأسف است که هنرمندان بمیرند و بی‌هنران جای ایشان را بگیرند .

عبارتی است که میگویند : « حسنات الاخیار سیئات الابرار و حسنات الابرار سیئات المقربین »

یعنی اعمال نیکی که از اخیار سر میزنند اگر از ابرار سرزد در حکم سیئات محسوب میشود و همچنین اعمال نیکی که از ابرار مشاهده میشود اگر از مقربین

دیده شد در ردیف سیئات است زیرا خوب وبد افعال به نسبت مقام وموقعیت عامل آنست مثلاً اگر از کودکی جرمی مشاهده شود بجهت صغرسن معفو است اما اگر آن جرم از شخص بالغ سرزند مستوجب مجازات میباشد وبهمان نسبت اگر مجرم مردی دانشمند باشد مجازات او شدیدتر خواهد بود منظور آنست که گاهی تراوشاتی از اشخاصی دیده میشود که واقعاً اسباب حیرت وتأسف است .

چندی پیش مقاله ای در جریده اطلاعات (ستون انتقاد) شماره ۱۱۱۸۹
۱۳۴۲/۶/۲۰ نگارش یافته بود که نه تنها مایه شگفتی و اعجاب است بلکه هر خواننده منصفی از قرائت آن متأثر ومتأسف میشود .

وزارت فرهنگ بمنظور با سواد کردن دانش آموزان دستوری صادر نموده که ساعات تدریس زبان پارسی را افزایش دهند نویسنده این دستور را اکل از قفا تعبیر وتفسیر نموده پیشنهاد کرده است که بجای افزایش ساعات تدریس زبان بهتر است حروف قریب المخرج از زبان فارسی حذف شود .

یعنی حضيض - حضيض ولذید که با ظ - ض و ذ نوشته میشود همه را تبدیل به زاء فارسی کنیم یا کلمات صبر و ثنا که با صاد و ثاء کتابت میگردد با سین بنویسیم وهمچنین سایر حروف قریب المخرج تا از شر این حروف که مانع از با سواد شدن دانش آموزان است نجات یابیم !

مقدم بر مقاله فوق شرح دیگری در همان روزنامه اطلاعات در مورد واو معدوله نگاشته بود که خوبست این واو لعنتی را از کلمات حذف نمائیم تا دوچار اینهمه اشکال نباشیم و البته وقتی ملاحظه فرمودند که کسی با انتقاد ایشان پاسخی نگفت بنوشتن مقاله مورد بحث در مورد حروف قریب المخرج پرداختند بدیوبی است چیزی نخواهد گذشت که بنویسند مثلاً چه لزومی دارد ما بخودمان زحمت دهیم و برای گفتن شعر رعایت روی - قافیه - وزن - وسایر جهات را بنمائیم بلکه

کافی است الفاظی پهلوی هم چیده و بنام شعر بخورد مردم بدهیم و اگر کسی انتقادی کرد مانند سید باب (که در محضر علماء عبارتی غلط خواند و در جواب ایراد علما گفت نحو گناهکار بود خداوند آنرا مأخوذ و محبوس فرمود و الحال بشفاعت من رستگار و آزاد شد بنا بر این اگر مجروری را مرفوع یا مفتوحی را مجرور بخوانیم زیانی نباشد) جواب گوئیم: عروض و قافیه و بدیع گناهکار بودند خداوند آنها را مأخوذ نمود اینک بشفاعت نویسنده مقاله آنها را آزاد ساخت.

بنا بر يك اصل کلی همیشه فرع تابع اصل میباشد و تا کنون دیده و شنیده نشده که کسی اصل را فدای فرع بکند. ما اگر فرشی داشته باشیم که بزرگتر از اطاق باشد هیچوقت اطاق را خراب نمی کنیم بلکه قرش را با فرش متناسب دیگری عوض میکنیم اما آقای نویسنده معتقدند که اطاق را باید ویران ساخت و بهمان اندازه فرشی که داریم تجدید ساختمان نمود - ایشان مرقوم فرموده اند برای خاطر جمعی دانش آموز که زودتر با سواد شوند و او معدوله را از کلمات حذف میکنیم و حروف قریب المخرج را نیز کنار گذاشته و همه را با حرف دیگری که در تلفظ مشابه آنست تبدیل می نمائیم - واقعاً آفرین بر این منطق!! اگر بخواهیم و او معدوله را از کلمات حذف کنیم و الفاظ خویش، خوار، خواستن را بصورت خیش - خار و خاستن کتابت نمائیم وجه امتیاز آنها چه خواهد بود مگر آنکه در ذیل این قبیل کلمات بنویسیم خیش در اصل خویش بود بنا بر این پیشنهاد و او آن را حذف نمودیم اما باز از لحاظ معنی وجه امتیاز ندارد لابد جواب خواهند گفت از سیاق عبارت بمعنی پی میبریم اما آن دانش آموزی که تا این حد درک کند و از سیاق عبارت معنی را دریابد باسانی و او معدوله را خواهد آموخت و احتیاجی به حذف آن نیست.

از این گذشته از زبانهای زنده دنیا کدام يك را سراغ دارید که آنچه

کتابت می کنند بتلفظ درمی آید . آنهایی که بزبان انگلیسی ، فرانسه و آلمانی آشنائی دارند خوب میدانند که غالب لغات دارای حروفی است که تلفظ نمیشود و از این مهمتر دو کلمه متشابه (کلماتی که شامل حروفی باشند که تلفظ نمیشوند) هر کدام بنحو دیگری تلفظ میشوند و اگر بتلفظ در نیامدن حروف در لغات نقصی شمرده شود این نقص اختصاص بزبان فارسی ندارد بلکه بیشتر از زبانهای امروز دنیا دارای این نقص هستند و هیچکدام از آنها هم در مقام رفع این نقص بر نیامده اند .

تنها مائیم که بفکر درمان درد خویش هستیم !

همه ز سعی و عمل کرده عقل را حیران

هنوز ما بتکلف ز شیوه تحریر

زبانی که قسمت اعظم آن از لغات عربی تشکیل میشود چگونه میتوان با این روشهای غلط و راهنمائیهایی جاهلانه بدانش آموزان آموخت ؛ نسل حاضر از لحاظ هوش و استعداد بر نسلهای گذشته برتری دارد از طرف دیگر وسائلی که امروز در دسترس محصلان و دانش آموزان قرار دارد هیچوقت در پنجاه سال بلکه بیست سال پیش در دسترس نبود معینا يك طفل مکتبی پنجاه سال قبل از دیپلمه امروز بیشتر سواد خواندن و نوشتن را داشت . چرا ؟ برای آنکه روش تعلیم و تعلم غلط است . باید روش را تغییر داد . باید طریقه پیش گرفت که جوانان ما با سواد شوند والا تنها با افزایش ساعات تدریس ، کاری از پیش نمیرود و با این قبیل پیشنهادات هم نتیجه مطلوب بدست نمی آید .

زهر از دست خردمندان نوشیدن به از شربت از دست نا بخردان

چشیدن است .